یاد رفیق پویان گرامی باد

در شرایط اوج گیری جنبش مسلحانه خلق ایران که اکنون بعنوان واقعیتی انکار ناپذیر برشد تصاعدی خود ادامه می‌دهد ، خاطره رفیقی را گرامی میداریم که با نثار خون پاکش جنبش مسلحانه خلق ما را آبیاری کرد .

رفیق امیر پرویز پویان در سال ۱۳۲۵ در شهر مشهد بدنیا آمد . تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در این شهر گذراند . رفیق از همان دوران نوجوانی با مشاهده عینی فقر توده‌های مردم و تماس مستقیم با آنها ، تحت تاثیر فضای سیاسی خانواده‌اش با مسایل سیاسی جامعه آشنائی پیدا میکرد و در حد همان شناخت ابتدائی از تضاد خلق با دشمن به اعمالی نظیر پخش اعلامیه و براه انداختن اعتصاباتی که جنبه سیاسی داشت در مدرسه و تشویق اطرافیان به فعالیتهای سیاسی ، اقدام می‌نمود و در ضمن با مطالعه و بحث و تحلیل از مسائلی که در اطرافش اتفاق می افتاد آگاهی سیاسی خود را رشد می‌داد .

فعالیتهای سیاسی مشخص رفیق پویان از سالی که وارد دانشگاه شد شکل گرفت . در این سالها بود که باتفاق رفقا مسعود احمد زاده و عباس مفتاحی گروهی را تشکیل داد .

فعالیتهای رفیق در گروه که اغلب نیز مخفیانه صورت میگرفت ، ترجمه متون مارکسیستی و نوشتن مقالاتی در زمینه شناخت جامعه ایران بوده است .

در این دوره رفیق پویان و سایر رفقا معتقد به تشکیل حزب پرولتاریا بر طبق فرمولهای تئوریک مبتنی بر تجربه‌های انقلابی پیشین بودند بدون اینکه شرایط عینی ویژه جامعه ایران را بدرستی تحلیل کرده باشند . ولی خیلی زود رفقا با برخوردی صادقانه و با تحلیل عینی از شرایط جامعه ایران دریافتند که اوضاع خاص ایران در رابطه با گسترش سلطه امپریالیستی ، پرومه نوینی را برای تشکیل حزب طلب میکند . باین ترتیب رفقا معتقد شدند که تنها با اتخاذ خط مشی مبارزه مسلحانه و با تشکیل هسته‌های سیاسی ـ نظامی است که میتوانند عناصر تشکیل دهنده حزب پرولتاریا را عملا تشکیل دهند .

در این زمان بود که رفیق بنوشتن اثر معروفش « ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء » پرداخت و در سازماندهی گروه « چریک های فدائی خلق » نقشی اساسی ایفا نمود و از سال ۴۹ بصورت یک انقلابی حرفه‌ای در صف مقدم پیشاهنگان فدائی خلق قرار گرفت تا رسالت تاریخی خود را بانجام رساند و بنشان خون خود پرچم انقلاب را بر افراشته ترسازد .

رفیق امیر پرویز پویان این مبارز سرسخت و دلیر که برخورد صادقانه و فعالش با مسائل جنبش تعهد انقلابی رفقا را فزونی می‌بخشید ، علیرغم حیات کوتاهش در گروه فعالیتی چشمگیر داشت ، در تدارک ، طرح و شرکت در عملیات نظامی ، جمع بندی سیاسی این عملیات و سازماندهی تیم‌های سیاسی ـ نظامی نقشی فعال ایفا میکرد . بالاخره هنگامیکه در سوم خرداد سال ۵۰ همراه با رفیق رحمتعلی پیرواذیری توسط چند صد مزدور مسلح دشمن محاصره شدند ، با شهامت انقلابی و قلبی آکنده از خشم و کینه‌ای آتشین به چنان نبرد قهرمانانه‌ای پرداختند که مزدوران دشمن را از وحشت بلرزه در آوردند دشمن آنچنان نیروئی برای مقابله با این دو چریک رزمنده ، دو انقلابی راستین خلق به محل آورده بود که دقیقا ضعف او را در مقابل قدرت و نیروی چریک باثبات میرساند و خلقی که شاهد این درگیری نابرابر بود قدرت و شهامت چریک ، و هراس مزدوران دشمن را از این قدرت هر چه عینی‌تر در چند قدمی خود لمس میکرد . می‌دید که مزدوران دشمن با تمام نیروئی که گرد آورده بودند در حالیکه از وحشت و ترس بخود میلرزند و جرات نزدیک شدن

www.iran-archive.com

به خانه را ندارند چگونه صلحجویانه تلاش میکنند چریکها را به تسلیم شدن وادارند و زنده دستگیر شان سازند . ولی چه خیال باطلی ... یك ساعت ... دو ساعت .... سه ساعت ..... ساعتها می گذرد . رفقا همچنان سرسختانه به نبرد ادامه دهند .

نگاههای حیرت زدهٔ خلق باین نبرد نابرابر باین دلیری و از جان گذشتگی دوخته شده ، قلبهایشان می‌طپد از خود می پرسند « اینان کیستند که چنین سرسختند ؟ » و « سرانجام این نبرد چه خواهد شد ؟ » .... و می‌بینند که چگونه این رزمندگان راه رهائی خلق ، تا آخرین قطره خون خود به نبرد با دشمن تا دندان مسلح ادامه میدهند و هرگز تسلیم نمی‌شوند .

بدینسان بود که این دو رفیق دلاور و رزمنده در طی نبرد حماسه آفرین خود پس از اینکه آنچه را که نمی‌بایست بدست دشمن بیافتد از بین بردند ، سرانجام برای آنکه خود نیز بدست دشمن اسیر نشوند با شعار « پیروز باد انقلاب » و « زنده باد کمونیسم » به زندگی خود پایان دادند و بدینگونه حماسه پرشکوه هستی خود را در دلها جاودانه ساختند ما که آنان را می‌شناسیم میتوانیم بگوئیم که آن لحظات ، لحظاتی که پیام مرگ برای دشمن داشت ، برای رفقا چقدر شادیبخش بود و چه اندیشه‌ها از ذهنشان می‌گذشت .... براستی برای کسی که دارای وجودی سراپا عشق به خلق و قلبی مملو از کینه عمیق بدشمن است چه لذتی بالاتر از این که با عمل انقلابی خود ضربه‌ای بر پیکر دشمن وارد آورد . در آن لحظات آنان بی‌تردید با چشمان دورنگر خود آینده پرشکوه را می دیدند که خلقها از بندهای اسارت آزاد گشته و هرگونه ستم و بهره‌کشی طبقاتی ، هرگونه استثمار انسان از انسان نابود گردیده‌است. برای یك مبارز صادق چه دورنمائی شکوهمندتر و بر انگیزنده‌تر از این میتواند باشد ؟

چنین بود که رفیق پویان اعتقاد داشت که اگر صد جان هم داشته باشیم سزاست که صد بار جان فدا کنیم چرا که توده‌های زحمتکش هر روز صد بار جان می‌دهند .

جاودانه باد خاطره رزمندگان راستین نبرد رهائی بخش خلق

رفیق امیر پرویز پویان

رفیق رحمت‌اله پیروندیری